

تئودور آدورنو

# خواب نوشته‌ها

سیاوش جمادی / احسان لامع



بنگاه ترجمه و نشر  
کتاب پارسه

## فهرست

۹	مقدمه
۳۳	تاریخ خواب‌گزاری
۶۵	خواب‌نوشته‌ها
۱۲۹	پس‌گفتار

## مقدمه

### در باب خواب نوشته‌ها

نقش فروید در نظریه انتقادی به مفهوم عام‌تری که امروزه از این نظریه مراد می‌شود به لحاظی موضوع مناسبی است برای نوشتن مقدمه‌ای بر خواب‌نوشته‌های آدورنو، به‌ویژه از آن‌رو که فروید در قرن بیستم در مقام بنیان‌گذار، سهمی تعیین‌کننده در تفسیر خواب و کشف مکانیسم رؤیابینی داشته‌است. اما حقیقت آن است که مقولاتی از این دست، انگیزه‌ها و مناسبت‌هایی بیش‌تر سلیقه‌ای‌اند برای توجیه ضرورتی که این روزها از هر نوشته‌ای طلب می‌شود.

مناسبت این مقدمه در بدو امر خواست ناشر و مترجم محترم بود، با این‌همه آنچه در ابتدا آسان می‌نمود با شروع آنچه که می‌بایست در حد مقدمه باشد، کم‌کم مشکلات خود را به رخ کشید، و نگارنده نیز در حد توان خویش از سر اشتیاقی که مقتضیات نشر را به دست نسیان می‌سپرد به پژوهشی فراتر از رفع تکلیف کشیده شد. نوشتن در باب خواب‌نوشته‌های دیگران در حکم کورمال رفتن در تاریکی است. فروید و یونگ در عین اختلاف نظری که در باب ساختار و تکوین رؤیاها داشتند، هر دو گفت‌وگوی حضوری با بیمار را لازم می‌دیدند.

اگر رؤیا زبان ناخودآگاه باشد، رؤیاهای هنرمندان و متفکران نادری چون کافکا، آدورنو، بنیامین و لئوناردو داوینچی را از روی آثاری که در نهایت بیداری و آگاهی آفریده‌اند، مشکل بتوان تفسیر کرد. پافشاری فروید بر

رویکرد زیست‌شناختی و نیز نظریهٔ مونیستی یا من‌مدارانهٔ وی در باب رؤیا و ناخودآگاه، این نتیجه را حاصل می‌آورد که حیات روانی فرایند و کارکردی چنان‌عام، فراتاریخی و کمابیش جبری دارد که می‌توان به کمک یادداشت‌های هنرمندی چون داوینچی با فاصلهٔ زمانی چهارصدساله، شخصیت وی را بازسازی کرد: داوینچی در بزرگ‌سالی خاطره‌ای از دوران طفولیت را به یاد می‌آورد. او نوشته است:

من دربارهٔ لاشخورها حساسیت خاصی دارم، زیرا زمانی که خیلی کوچک و در گهواره خوابیده بودم لاشخوری به گهوارهٔ من نزدیک شد و بادمش دهان مرا باز کرد و چندین ضربه با دم به دهان من زد.<sup>۱</sup>

فروید این خاطره را تخیلی می‌داند که میل بزرگ‌سالی را به دوران طفولیت احاله می‌دهد. این میل در پایان تحلیل از هم‌جنس‌گرایی مورد قبول داوینچی کاشف به عمل می‌آورد.<sup>۲</sup> نیازی نیست که بگوییم در این جا تحلیل فروید برخلاف روش معمول او حاصل روان‌کاوی حضوری و بالینی نیست. بی‌سبب نیست که این اثر از جمله ضعیف‌ترین و مناقشه‌انگیزترین آثار فروید است.

تفسیر خاطرهٔ خیالی یا واقعی داوینچی همهٔ امکانات تفسیری دیگر را طرد می‌کند و معلوم نیست که تئوری از مصداق برآمده یا مصداق محکوم حکم تئوری شده است. معلوم نیست فرم در محتوا زاده شده یا محتوا در فرم از پیش داده شده گنجانیده شده است. یکی از منتقدان این اثر فروید بر آن است که به سبب ترجمهٔ غلط اصل ایتالیایی به آلمانی، فروید لاشخور را به جای زغن گرفته است و چون بخشی از پیشروند سفسطهٔ فروید منوط به لاشخور بودن پرنده است، پس کل تحلیل او در مظان تردید قرار می‌گیرد.<sup>۳</sup> آثاری که معرف کار سترگ فروید در روان‌کاوی هستند اکثراً ما حاصل تجربهٔ عملی او با بیماران و انبوهی از داده‌های بالینی هستند.

۱. فروید، زیگموند، *لئوناردو داوینچی*، ترجمهٔ مهدی افشار، انتشارات کاویان، تهران، ۱۳۵۱،

صص ۱۱-۱۲.

۲. همان، صص ۱۳-۱۴.

۳. همان، صص ۱۲.

بدون این داده‌ها کتاب مهمی چون تفسیر خواب هرگز به تدوین اصول کلی نمی‌انجامید. به طریق اولی ما نیز نمی‌توانیم بدون درغلتیدن در سفسطه‌تصمیم پیش بنیاده، گزارش بدون شرح رؤیاهای آدورنو را تفسیر کنیم. آنچه جلب توجه می‌کند علاقه آدورنو به ثبت رؤیاهایی است که چه بسا در مرحله یادآوری تحریف شده یا چه بسا تنها قسمت برجسته و به یاد مانده رؤیاهایی طولانی‌تر بوده‌اند.

خواب‌نوشته‌های آدورنو، یا والتر بنیامین، مثلاً در خیابان یک طرفه — به خودی خود آن تجربه‌هایی را که در رؤیا کثرت و مژ و مبدل شده‌اند افشا نمی‌کنند، مگر این‌که خود رؤیانگار ما را از آن‌ها مطلع کند. برای مثال، رؤیای آدورنو در ۱۸ فوریه ۱۹۴۸ که شاید بتوان عنوان ارکستر گاوها را بر آن نهاد بنابه توضیح خود آدورنو در زمانی پیش آمده که وی درگیر نوشتن مقاله بلندی راجع به فلسفه موسیقی مدرن استراوینسکی بوده است. بنیامین می‌نویسد که در رؤیایی خانه‌ای بدنام دیده و این کلمات را ادا کرده است:

هتلی که در آن جانوری می‌پوسید؛ تقریباً همه تنها آب حیوان گندیده می‌خوردند.<sup>۱</sup>

در این جابرعکس چیزی از منشأ پاساژهای رؤیا نمی‌دانیم. البته از چند رؤیایی که بنیامین در خیابان یک طرفه گزارش می‌کند،<sup>۲</sup> می‌توانیم حدس بزنیم که رؤیابین به اشعار بودلر، به موزه و اکتشاف عتیقه و آثار باستانی دل‌بستگی دارد، و کمابیش این سخن یونگ را باور کنیم که:

کل تجربه پیشین یک شخص در طول زندگی را می‌توان در هر رؤیا مشاهده کرد.<sup>۳</sup>

اما رؤیای بالا به خودی خود نه ما را از منشأ خود در بیداری بنیامین

۱. بنیامین، والتر، خیابان یک طرفه، ترجمه حمید فرزانه، نشر مرکز، تهران ۱۳۸۰، ص ۴۹.

۲. بنگرید به: همان. صص ۱۲، ۲۵، ۳۵، ۴۷، ۴۹، ۶۶.

۳. یونگ، رؤیاها، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، انتشارات کاروان، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۷، ص ۴۳.

باخبر می‌کند و نه به آسانی از کل تجربه پیشین بنیامین. به همین منوال در رؤیاهای آدورنو بُن‌مایه‌های مکرری را تشخیص می‌دهیم. مرگ، روسپی‌خانه، رفتار کالایی با زنان و دختران و در یک مورد کودک‌آزاری، اعدام، فاجعه پایان جهان، ترس از مردود شدن در امتحان علمی و قانون‌شکنی، خود ویرانگری و روز داوری از آن جمله‌اند. مسلماً این رؤیاها با تجربه‌هایی که آدورنو در بیداری داشته بی‌ارتباط نیست. این تجربه‌ها را نه آدورنو آزموده است و نه کس دیگر و ما از آن‌ها بی‌خبریم. ما از رؤیاهایی که در آن‌ها متفکران و هنرمندان و آثار یا کاراکترهای ادبی و هنری چون حلقه فیبلونگنغ، کارل کارواسف، شکسپیر، هایدگر، زیگفرد، گرماتنه‌ها، آلبان برگ، آنتول فرانس، ژان کوکتو و مانند آن‌ها نقش دارند می‌فهمیم که رؤیایین شخصی فرهیخته و به‌طور خاص اهل ادبیات و موسیقی است، گرچه به قول یونگ، در تثاتر رؤیا که لزوماً ذهنی است، همه عوامل آن اعم از بازیگر، تهیه‌کننده، نویسنده و تماشاگر خود رؤیایین است:

همه شخصیت‌ها... به گونه‌ای خصایص خود رؤیایین را تصویر می‌کنند.<sup>۱</sup>

لیکن مسئله آن است که موسیقی‌شناس فرهیخته، منتقد هنری و ادبی، فیلسوف، روشنفکر، استاد دانشگاه، و امثال این‌ها گویای خودنمودین آدورنو در عالم بیداری است. خودنمودین را دقیقاً نباید با خودکاذب، ریاکارانه و متظاهرانه یکی گرفت؛ خودنمودین من، مترجم و پژوهشگر آثار فلسفی است و نه کسی که خود را، هم‌چون کسانی که برای کلاهبرداری خود را پلیس جا می‌زنند، مترجم جا زده باشد. خودنمودین تو کما بیش همان چهره‌تو از چشم دیگران است. خودنمودین ممکن است چنان درونی شده باشد که در جهان رؤیا نیز نفوذ کند. مترجم خواب می‌بیند که در به‌در از این و آن جویای معادلی می‌شود که در بیداری به آن نرسیده است.

۱. یونگ، رؤیاها، نشانی پیش‌گفته، ص ۷۳. یونگ این رهنمود تفسیر رؤیا را «تفسیر در سطح سوژکتیو» interpretation on the subjective level می‌نامد.